



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۸۸	تاریخ	۱۴۰۴/۰۱/۲۰
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	نسبت خبر واحد با حجیت اثبات شده از طریق عقلی با اصول عملیه				
عنوان ۶	نسبت با اصل عملی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث ما اینجا بود که اگر ما حجیت خبر واحد را با استدلال عقلی - همان تقریب اول مبتنی بر علم اجمالی و انحلال که پیشتر تبیین شد - ثابت کردیم و در موردی، این خبر واحد با دلیل دیگری که اصل عملی است، تعارض پیدا کرد، تکلیف چیست؟

گفتیم در این خصوص، سه فرض وجود دارد:

۱. فرض اول: توافق خبر و اصل عملی:

خبر واحدی که حجیتش را با استدلال عقلی ثابت کرده ایم، با آن اصل عملی فوقانی متوافق باشند؛ یعنی هر دو اثبات کننده یک حکم الزامی یا هر دو نفی کننده حکم الزامی یعنی ترخیصی باشند. در این صورت، ثمری بر حجیت این خبر به وسیله دلیل عقلی بار نمی شود؛ چرا که چه این خبر حجت باشد و چه نباشد، به هر حال باید طبق مضمون مورد توافق عمل کرد؛ یا از باب حجیت خبر، یا از باب حجیت اصل عملی. نتیجه عملی در هر دو صورت یکی است.

۲. فرض دوم: تخالف خبر و اصل عملی، با الزامی بودن خبر و ترخیصی بودن اصل:

خبر با حجیت اثبات شده عقلی، متضمن حکم الزامی باشد و اصل عملی، اصلی ترخیصی - مانند اصل براءت باشد. در این فرض نیز باز هم ثمری بر حجیت خبر بار نمی شود؛ چرا که اگر خبر حجت باشد، باید به مدلول الزامی آن عمل کرد؛ اما اگر حجیت خبر ثابت نشود نیز، نمی توان به اصل ترخیصی عمل نمود. دلیل آن، وجود علم اجمالی فوقانی به وجود الزامات شرعی در بین مجموعه ظنون و احتمالات است. این علم اجمالی، منجز است و مانع از جریان اصل ترخیصی در اطراف

علم اجمالی می‌گردد. این، همانند موردی است که علم اجمالی به وجوب داریم؛ مثلاً علم داریم که یا نماز جمعه بر ما واجب است یا نماز ظهر؛ در چنین مواردی که علم اجمالی به تکلیف وجود دارد، نمی‌توان اصل برائت را در تمام اطراف جاری کرد؛ نه در یک طرف و نه در طرف دیگر به تنهایی، و نه در هر دو طرف؛ چرا که اگر بخواهیم اصل برائت را در هر دو طرف - مثلاً هم برای نماز جمعه و هم برای نماز ظهر - جاری کنیم، این مخالف با علم اجمالی ما به وجود تکلیف الزامی است و منجر به وقوع در مخالفت قطعی حکم الزامی معلوم بالاجمال می‌شود. اگر هم بخواهیم اصل را تنها در یک طرف جاری کنیم - مثلاً فقط برای نماز جمعه -، ترجیح بلامرجح است. همچنین، جریان اصل در یک طرف، اصل در طرف دیگر را تکذیب می‌کند؛ چرا که با فرض علم اجمالی، اگر برائت در یک طرف صادق باشد، التزام به وجوب در طرف دیگر لازم می‌آید و برائت در آن طرف کاذب خواهد بود. به دلیل این تعارض و عدم امکان ترجیح، اصول ترخیصی در اطراف علم اجمالی تساقط می‌کنند و جاری نمی‌شوند.

در فرض دوم تعارض خبر با اصل عملی نیز وضعیت مشابه است. علم اجمالی فوقانی ما به وجود احکام الزامی - که مبنای استدلال عقلی بر حجیت خبر بود - مانع از جریان اصل ترخیصی در موردی می‌شود که خبر الزامی در آن وارد شده است، حتی اگر خبر را حجت ندانیم.

بنابراین، چه خبر حجت باشد و چه نباشد، در این فرض (خبر الزامی معارض با اصل ترخیصی) باید به نحوی به تکلیف الزامی عمل کرد و اثبات حجیت خبر، اثری در مقام عمل ندارد.

۳. فرض سوم: تخالف خبر و اصل عملی، با ترخیصی بودن خبر و الزامی بودن اصل:

اصل عملی فوقانی متضمن حکم الزامی - مانند اصل احتیاط یا اشتغال - باشد و خبر واحد - با حجیت اثبات شده عقلی - متضمن حکم ترخیصی باشد. در این فرض، ثمره قول به حجیت خبر ظاهر می‌شود. اگر قائل به حجیت خبر بر اساس آن استدلال عقلی شویم، باید به خبر ترخیصی عمل کنیم؛ چرا که خبر ترخیصی، حجت است و با وجود حجت، نوبت به اصل عملی الزامی نمی‌رسد. حجیت خبر ترخیصی در اینجا - که مبتنی بر علم اجمالی و انحلال آن است - به این معناست که آن علم اجمالی کلی منجز را در این مورد خاص از منجزیت می‌اندازد و در نتیجه، موضوع اصل الزامی - که عدم ترخیص است - منتفی می‌شود و اصل الزامی جاری نمی‌گردد؛ اما اگر قائل به حجیت خبر با این استدلال نشویم، در این صورت باید به آن اصل عملی الزامی عمل کرد.

پس تنها در این فرض سوم است که اثبات حجیت خبر با این شیوه عقلی، ثمره عملی دارد.

این خلاصه‌ای از بیان در خصوص نسبت خبر واحد - با حجیت اثبات شده از طریق استدلال عقلی - با اصول عملیه بود. اما مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه، این مقدار بیان مرحوم آقای خویی رحمته الله علیه را کافی نمی‌دانند. ایشان بیان مشروح و دقیق‌تری در این زمینه دارند که جزئیات بیشتری را شامل می‌شود و برخی از مشکلات مربوط به همان تقسیم‌بندی سه‌گانه را حل می‌کند. این بیان ایشان بسیار دقیق است و تقریباً مخصوص به خودشان می‌باشد.

بررسی این بیان تفصیلی مرحوم آقای صدر را، به دلیل اینکه مفصل است و احتیاج به توضیح بیشتری دارد، به جلسه آتی موکول می‌کنیم، ان شاء الله تعالی.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين